

اقتصاد سیاسی سیاست خارجی هند در عصر جهانی شدن اقتصاد^۱

امیرمحمد حاجی یوسفی*

محمود خانی جوی آباد**

چکیده

این پژوهش درصدد پاسخگویی به این سؤال است که چگونه «اقتصاد سیاسی جهانی»، «سیاست خارجی هند در عصر جهانی شدن اقتصاد» را تحت تاثیر قرار داده است؟ در پاسخ به سؤال مزبور، فرضیه پژوهش آن است که شش مولفه اقتصاد سیاسی جهانی در تعامل با عوامل اصلی اقتصاد، سیاست، امنیت و فرهنگ و از طریق سه پویایی یا دینامیزم سیاست خارجی کشورها را شکل می‌دهند. نویسنده با ارائه الگوی جدیدی موسوم به «اقتصاد سیاسی سیاست خارجی»، کیفیت تاثیرگذاری اقتصاد سیاسی جهانی بر سیاست خارجی هند را مطالعه نموده است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که «هند با فهم به موقع و درست پویای اقتصاد سیاسی جهانی و آگاه شدن از تغییر پارادایم جنگ سرد به «جهانی شدن»، ضمن تغییر ایدئولوژی دولت از «آرمان‌گرایی به واقع‌گرایی» و پذیرش دموکراسی و لیبرالیسم، در مسیر ادغام در اقتصاد سیاسی جهانی قرار گرفته و با تغییر سیاست خارجی «عدم تعهد محور»، به ائتلاف و مشارکت راهبردی با قدرت برتر و غرب گرایش یافته است».

واژه‌های کلیدی: هند، جهانی شدن، اقتصاد سیاسی سیاست خارجی

۱. این مقاله برگرفته از رساله دکترای نگارنده تحت عنوان: «مطالعه مقایسه‌ای اقتصاد سیاسی سیاست خارجی چین، هند و جمهوری اسلامی ایران» است که تحت راهنمایی دکتر حسین پوراحمدی و مشاوره دکتر سیدعبدالعلی قوام و دکتر امیرمحمد حاجی یوسفی در سال ۱۳۷۹، با کسب درجه عالی تدوین شده است.

am-yousefi@sbu.ac.ir

* دانشگاه علوم سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی

ma_khani@sbu.ac.ir

** دکترای روابط بین‌الملل دانشگاه شهید بهشتی تهران

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۳/۱۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۶/۷

فصلنامه روابط خارجی، سال دهم، شماره سی‌وهشتم، تابستان ۱۳۹۷، صص ۱۰۵-۱۳۳

مقدمه

با تسریع روند جهانی شدن اقتصاد، جامعه بین‌المللی به سوی یک نظام چندقطبی در حال حرکت است که در آن قدرت‌های نوظهور آسیایی از قبیل هند، با درک اهمیت تعامل در سیاست خارجی و ادغام در اقتصاد سیاسی جهانی، نه تنها از فقر، بدبختی و توسعه نیافتگی قبلی نجات یافته، بلکه با استمرار رشد چشمگیر اقتصادی، در سه دهه اخیر به جایگاه برجسته و درخشانی در آسیا و جهان دست یازیده‌اند.

بنابراین، امروزه پدیده ظهور هند، هجوم شرکت‌های چندملیتی خارجی به این کشور و استحاله اقتصادی آن از جمله ضمن کاهش چشمگیر فقر، سبب فرجه شدن طبقه متوسط شده است. به میزان فرجه شدن این طبقه در هند، منافع، ارزش‌ها و امنیت آن نیز به طور روزافزون با منافع، ارزش‌ها و امنیت نیروهای جهانی شدن گره خورده است. پیشرفت هند در این حوزه از جمله مدیون بهره‌برداری از ظرفیت‌های بازار جهانی به منظور جذب سرمایه‌های خارجی، کارآفرینی و ایجاد کسب‌وکار توسط عوامل تولید خارجی و داخلی و کسب شکل‌های گوناگون فناوری‌های پیشرفته به طرق گوناگون، شامل واردات کالاهای سرمایه‌ای و قطعات با فناوری پیشرفته، خرید فناوری خارجی از طریق کسب پروانه و مجوز فناوری‌های جدید، اعزام دانشجویان به خارج جهت آموزش، استفاده موثر از نیروی جامعه هندی ساکن خارج، کسب دانش از طریق آثار علمی موجود در جهان و کپی کردن و مهندسی معکوس اعلام شده است.

بنابراین معمای این مقاله کیفیت تعیین‌کنندگی «اقتصاد سیاسی سیاست

خارجی» در شکل‌دهی سیاست خارجی هند است. در پاسخ به سؤال اصلی، فرضیه یا پاسخ پژوهش عبارت است از: مولفه‌های اقتصاد سیاسی جهانی با ایجاد محدودیت، تهدید و یا ایجاد فرصت: الف) در عرصه اقتصاد با متاثر نمودن نظام، ساختارها، روندها و عوامل اقتصاد ملی؛ ب) در عرصه سیاست از طریق متحول ساختن ماهیت، عناصر، ساختارها و ابزارهای قدرت و ایدئولوژی دولت؛ ج) در عرصه فرهنگ از طریق جهانشمول یا مک‌دونالدیزه کردن ارزش‌ها، باورها، کنش‌ها و هویت ملی در کشورها، و در نهایت د) در عرصه امنیت با تغییر اهداف، الگوها و راهبردهای تامین امنیت ملی هند (و سایر کشورها)، از طریق دو فرایند جهانی شدن اقتصاد و ایجاد وابستگی متقابل نامتقارن و با محدود و مشروط نمودن حق انتخاب آنها، سیاست خارجی این کشور را از نهروگرایی، عدم تعهد و سوسیالیسم به میانه‌روی و سپس محافظه‌کاری و همسویی با نیروهای اقتصاد سیاسی جهانی به‌ویژه اتحاد راهبردی با آمریکا سوق داده است. پس از تشریح مدل و چهارچوب نظری در قسمت‌های اصلی متن، نتیجه بررسی گزاره‌های یادشده تشریح خواهد شد.

بررسی و مطالعات این پژوهش حکایت از آن دارد که تاکنون اثر مستقل و جدیدی پیرامون مسئله اصلی این پژوهش یعنی «اقتصاد سیاسی سیاست خارجی هند» به‌ویژه به زبان فارسی، در سه دهه اخیر به چاپ نرسیده است. جهت تدوین این مقاله، ادبیات بسیار غنی و متنوع موجود از جمله پیرامون نقش پارادایم‌های کلاسیک اقتصاد سیاسی یعنی رئالیسم، نولیبرالیسم، ساختارگرایی یا مارکسیسم و مکتب انتقادی شامل سازه‌انگاری و آثار مفید انگلیسی و همچنین منابع متعدد فارسی مرور شده است. به هر حال مطالعه منابع مزبور حکایت از آن دارد که در حوزه مسئله یا معمای این پژوهش خلاء تحقیقاتی وجود داشته و توجه به مسئله این پژوهش یک ضرورت نظری و کاربردی محسوب می‌شود. از سوی دیگر، تاکنون «اقتصاد سیاسی سیاست خارجی» به عنوان یک رویکرد، به صورت نظری به خوبی تبیین و تشریح نشده است. تعریف «اقتصاد سیاسی سیاست خارجی» در این پژوهش تعیین‌کنندگی متغیرهای اقتصاد، سیاست، امنیت، فرهنگ و شش مولفه

اقتصاد سیاسی جهانی در شکل دهی سیاست خارجی کشورها به عنوان متغیر وابسته است (خانی جوی آباد، ۱۳۹۷: ۶۸-۱۰).

۱. روش پژوهش

در این رساله با مفروض انگاشتن تعریف لاکاتوش از روش پژوهش به «شیوه‌های سازماندهی شده و نظام یافته آزمون نظریه و فرضیه» (Lakatos, 1986) و همچنین با توجه به تایید این تعریف در روش پژوهش روابط بین‌الملل و اقتصاد سیاسی بین‌الملل (Sprinz, 2002: 15)، روش این پژوهش «کمی - چندروشی» و مبتنی بر «مدل خاص اقتصاد سیاسی سیاست خارجی» با ویژگی‌های زیر است.

الف) با «تمرکز بر روش‌های کمی، قابل اندازه‌گیری و ابطال‌پذیر»، دارای موضوع، مسئله خاص، مرور ادبیات، سؤال معین و فرضیه‌های مشخص در پاسخ به سؤال اصلی پژوهش، تشریح رهیافت، مبانی نظری و مدل و متغیرهای خاص است.

ب) جهت کاهش درجه تقلیل‌انگاری پژوهش، به ناچار «چندروشی و تلفیقی است». به عبارت دیگر چنانچه ایجاد سازه پیچیده «اقتصاد سیاسی بین‌الملل» به عنوان یک ساختمان عظیم بسیار مدرن انگاشته شود، آنگاه ایجاد چنین بنایی صرفاً به یک روش - به عنوان مثال فقط نجاری - متکی نخواهد بود. بنابراین، روش این پژوهش «کمی - کیفی و چندروشی است».

ج) جهت محدود نمودن دامنه پژوهش و ارزیابی گزاره‌های فرضیه، تا حد امکان از متغیرهای تعریف شده، یکسان و قابل اندازه‌گیری بهره می‌جوید.

د) جهت تثوریزه و قابل فهم نمودن داده‌های گسترده موجود، از مقایسه و مدل خاص «اقتصاد سیاسی سیاست خارجی» بهره می‌جوید.

ه) به لحاظ معرفت‌شناسی «خرد، تجربه و تفهم یا معناکاوی» را مکمل یکدیگر می‌داند.

و) به لحاظ چهارچوب نظری و رهیافت در قالب رشته «روابط بین‌الملل»، زیرمجموعه «اقتصاد سیاسی بین‌الملل» و مبتنی بر «مدل خاص اقتصاد سیاسی سیاست خارجی (ترکیبی از مزایای پارادایم‌های سوداگرایی، لیبرالیسم و

ساختارگرایی)» است (خانی جوی آباد، ۱۳۹۷: ۴۲-۳۴).

۲. چهارچوب نظری و رهیافت

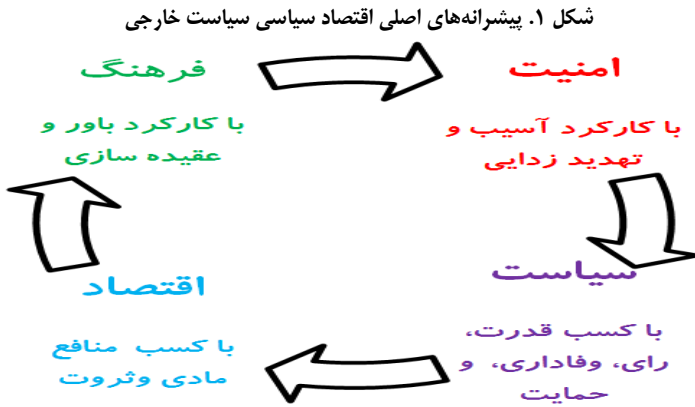
«اقتصاد سیاسی بین‌الملل^۱ یا IPE»، در قلمرو علوم اجتماعی حوزه مطالعاتی در حال گسترشی است که درصدد فهم مشکل و مسائل جهانی موجود از طریق کاربرد یک مجموعه گزینشی از ابزارهای تحلیلی و نظری بین رشته‌ای است. افزایش اهمیت روزافزون آن به عنوان یک حوزه مطالعاتی به نوبه خود ناشی از استمرار فروپاشی و شکستن مرزهای میان رشته‌ای موجود بین اقتصاد و سیاست به طور خاص، و سایر عرصه‌های علوم اجتماعی به طور عام است. از نگاه این رهیافت، مهمترین مسائل قابل بررسی در این حوزه، مواردی است که می‌توان آنها را از طریق شیوه‌های بین رشته‌ای، چندرشته‌ای یا فرارشته‌ای مورد مطالعه و تجزیه و تحلیل قرارداد. در این چهارچوب اگر قرار است در IPE پروژه‌ای باشد، هدف آن فروریختن مرزها و محدودیت‌های تحقیقات فکری در علوم اجتماعی است؛ به گونه‌ای که بتوان سئوال‌ها یا مشکلات مهم را بدون توجه به مرز موجود بین رشته‌های منفرد و پراکنده موجود مطالعه نمود. بنابراین اقتصاد سیاسی بین‌الملل مطالعه یک مسئله یا مجموعه‌ای از مسائل یا مشکلات مرتبط به یکدیگر است. مسئله‌های سنتی این عرصه در بردارنده مواردی از قبیل تحلیل اقتصاد سیاسی، تجارت بین‌الملل، سرمایه‌های بین‌المللی، روابط شمال-جنوب، شرکت‌های چندملیتی و هژمونی است (Michel Veseth, 2013: 1-5). تحریم نفتی ۱۹۷۳ اعراب علیه اسرائیل و تاسیس اوپک، پنج بعد این رهیافت جدید را به عبارت زیر آشکار ساخت. اول، قدرت و نفوذ ابزارهای اقتصادی در پیشبرد سیاست خارجی کشورها و امکان تلافی اقتصادی آن؛ دوم، کاهش اهمیت مسائل جنگ سرد و روابط شرق و غرب و توجه به مسائل شمال-جنوب و این امر که سیاست در واقع دارای یک ماهیت اقتصادی-سیاسی است؛ سوم، تحریم نفتی به خوبی نشان داد که ارتباط پیچیده و متقابلی میان سیاست‌های داخلی، اقتصاد داخلی، سیاست بین‌الملل و اقتصاد بین‌الملل وجود دارد. چهارم، تا آن زمان تصور می‌شد که شرکت‌های

چندملیتی تحت نفوذ کشورهای مادر هستند (این امر در مورد شرکت‌های آمریکایی صحت داشت) اما پس از آن این تابعیت و ارتباط زیر سؤال رفت. دیگر معلوم نبود آنها ابزار دست دولت مادر یا دولت میزبان هستند و یا اینکه به طور مستقل عمل می‌کنند. و پنجم، آنکه تغییر جریان پرداخت‌های بین‌المللی ناشی از تحریم نفتی، نقطه آغازی بر حرکت بازار جهانی سرمایه به سوی ایجاد یک نظام جهانی و جهانی شدن اقتصاد بود. از آن پس مشکلات سیاسی و اقتصادی دیگر صرفاً بین‌المللی نبود، بلکه جهانی و فراتر از کنترل آحاد دولت-ملت‌ها پنداشته می‌شد. بنابراین مسئله IPE مجموعه‌ای از مسائل بین‌المللی و جهانی بود که دیگر صرفاً از طریق اقتصاد یا سیاست بین‌الملل قابل حل و فصل نبود و به دامنه و گستره جدیدی بنام اقتصاد سیاسی بین‌الملل نیاز داشت (Michel Veseth, 2013: 1-12).

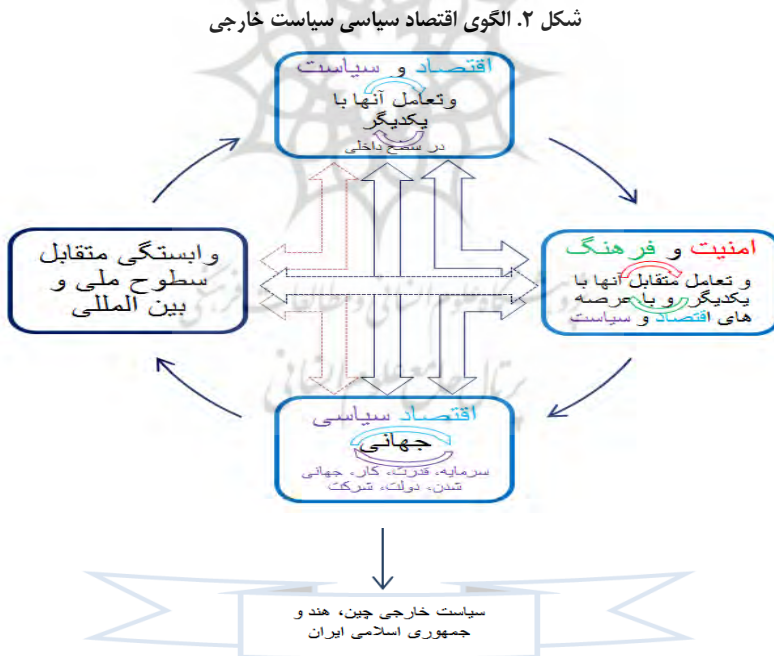
اقتصاد سیاسی جهانی از نگاه پالان و همفکران او دارای شش مولفه یا مفهوم اصلی: ۱- جهانی شدن، ۲- دولت، ۳- بازار (بنگاه یا شرکت)، ۴- قدرت، ۵- سرمایه و ۶- کار است (Palan, 2000: 2-18).

۱. **تعریف و مشخصات این رویکرد** آن است که انگیزه‌ها و علل رفتار و تصمیم‌های اتخاذ شده سیاست خارجی یک کشور، طبق «مدل اقتصاد سیاسی سیاست خارجی این پژوهش» دیگر نه صرفاً مبتنی بر دیدگاه‌های واقع‌گرایانه و مرکانتیلیستی بر پایه «منافع و قدرت ملی» است؛ نه صرفاً نولیبرالیستی یا مبتنی بر «ارزش‌ها و هویت مشترک» و تأکید بر آزادی اقتصادی و همکاری بین‌المللی است؛ و نه بطور انحصاری ناشی از نظام طبقاتی سرمایه‌داری است (که روند سیاست خارجی کشورها را پیشینی، جبری و در یک ساختار سلطه از پیش تعریف شده می‌انگارد)، بلکه در فرمول اقتصاد سیاسی سیاست خارجی در مدل این رساله کلیه عوامل مزبور شامل عوامل مادی، ساختارها، نهادها و نیروهای اجتماعی (شامل کلیه بازیگران سیاسی و اجتماعی) از یک سو و ارزش‌ها، هویت، فرهنگ، ایدئولوژی دولت، منافع مادی و تهدید و آسیب‌ها یا امنیت و تعامل این مجموعه در سه سطح فروملی، ملی و فراملی است که به شکل‌گیری سیاست خارجی می‌انجامد. بنابراین پیش‌رانه‌های اصلی اقتصاد سیاسی از نگاه این پژوهش

به عبارت زیر است.



الگوی نظری این پژوهش به شکل زیر، حاصل ادغام ماحصل رهیافت «اقتصاد سیاسی بین‌الملل» است.



این پژوهش در پی آن است تا از طریق کاربرد الگوی نظری ارائه شده در این

قسمت، سه پویش یا دینامیسم کلیدی: ۱- تاثیرات متقابل اقتصاد و سیاست بر یکدیگر، ۲- تعامل متغیرهای اقتصاد و سیاست با فرهنگ و امنیت، و در نهایت ۳- تاثیرات متقابل اقتصاد و سیاست و فرهنگ و امنیت با اقتصاد سیاسی جهانی بر شکل‌گیری سیاست خارجی هند را به عنوان یک نمونه تمثیلی نشان دهد. در الگوی بالا نشان داده می‌شود که اقتصاد سیاسی جهانی به عنوان متغیر اصلی، علاوه بر شش مولفه فوق مرکب از عوامل متعامل و متأثر از یکدیگر شامل اقتصاد، سیاست، امنیت و فرهنگ نیز می‌باشد. با توجه به مبانی فوق، در رویکرد اقتصاد سیاسی سیاست خارجی این رساله، کلیه متغیرها یا عوامل تامه در شکل‌گیری سیاست خارجی کشورها در چهارچوب سه پویایی و دینامیزم مشخص زیر فرمول‌بندی می‌شوند.

الف) تعامل متغیرهای اقتصاد و سیاست در دینامیزم اول،^۱ سیاست خارجی را چگونه تحت تاثیر قرار می‌دهد؟ اقتصاد سیاسی جهانی از طریق متغیر اقتصاد یعنی: ۱- تغییر نظام و ساختارهای اقتصادی در کشورها (Farooq, 2009: 10-25)، ۲- به کارگیری عوامل یا نیروهای تولید (Intelligent Economist, 2017)، ۳- تغییر ساختارهای مسلط اقتصادی در کشورها و وابسته نمودن آنها به اقتصاد جهانی (Seth, Tushar, 2017) و ۴- اثرگذاری مثبت و منفی بر فرایند یا روندهای اقتصادی در کشورها از جمله سبب تغییر سیاست خارجی آنها می‌شود. در عرصه سیاست نیز اقتصاد سیاسی جهانی با ایجاد فرصت، تهدید و بهره‌برداری از کالاهای مجانی خویش، با تغییر ساختارها و نظام سیاسی در کشورها، تغییر ماهیت سیاست و قدرت از قدرت سخت و نظامی به قدرت اقتصادی (Katzenestein, 1996: 260-402)؛ و نیز با اثرگذاری بر عناصر و ابزارهای قدرت و نیز از طریق فرایندهای سیاست و قدرت یعنی «جهانی شدن اقتصاد»، «بین‌الملل شدن دولت و سرمایه‌های جهانی»، «فرسایش مرزهای دولت-ملت و ستفالیایی» و اصل «وابستگی متقابل»، جهت اقناع و اجبار سایر کشورها به همکاری با نیروهای جهانی شدن (Buzan et

۱. جهت اطلاع بیشتر به «اقتصاد سیاسی سیاست خارجی مقایسه‌ای»، پایان نامه دکترای نگارنده مراجعه شود.

al, 2009: 265-287)، از جمله سیاست خارجی کشورها را تحت تاثیر قرار می‌دهد. (ب) متغیرهای «امنیت و فرهنگ» چگونه از طریق دینامیزم دوم سبب تغییر سیاست خارجی کشورها می‌شود؟ در عرصه امنیت، اقتصاد سیاسی جهانی (حاکم بر سرمایه‌ها و ابزارهای تولید جهانی)، از طریق گره زدن منافع اقتصادی، سیاسی و فرهنگی کشورها با «آسیب و تهدیدات امنیتی نظام جهانی و منافع خویش»، زمینه‌ساز گرایش سیاست خارجی کشورها به همسویی با تامین امنیت خویش می‌شود. در این فرایند اهداف، راهبردها و ابزارهای تامین بقا و امنیت ملی در داخل کشورها «با منطقی‌گریز از تهدید و آسیب و گزند نیروهای اجتماعی در سطح جهانی» در یک ارتباط و همکاری دوسویه با سایر عرصه‌ها و عوامل، زمینه‌ساز تغییر سیاست خارجی است. اقتصاد سیاسی جهانی در عرصه فرهنگ از طریق باورپذیر ساختن ارزش‌ها، هویت و فرهنگ لیبرالیستی نیروهای جهانی شدن، به محدود و همسو نمودن و یا تغییر سیاست خارجی کشورها منجر می‌شود.

(ج) تعامل چهار عرصه «اقتصاد و سیاست» و «امنیت و فرهنگ» با یکدیگر و با عوامل اقتصاد سیاسی جهانی و اقتصادی (ثروت و منافع)؛ در تعامل با عوامل سیاسی (ترکیب قدرت سخت و نرم) و مولفه‌های امنیت (عوامل تهدید کننده و آسیب‌زا)، و مولفه‌های فرهنگی (باورها، ارزش‌ها و هویت)، در یک چرخه علت و معلولی، و پیوند و ارتباط چندسویه با عوامل اقتصاد سیاسی جهانی شامل جهانی شدن، دولت، شرکت یا بازار (یا سه سطح و سه فضای تحلیل) و سه مولفه کار یا عاملیت نیروی انسانی و سرمایه و قدرت، به شکل‌گیری سیاست خارجی کشورها منجر می‌شود.

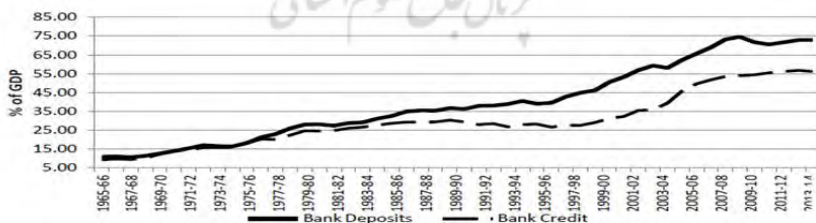
۳. تعامل اقتصاد و سیاست هند با عوامل اقتصاد سیاسی جهانی

در این قسمت آثار اقتصاد سیاسی جهانی بر تعامل عرصه‌های اقتصاد و سیاست (یا دولت / بازار در هند)، و وابستگی متقابل و نامتقارن عوامل یاد شده به یکدیگر (یعنی پویا یا دینامیزم اول مدل)، از طریق محک زدن گزاره‌های «الف و ب»، فرضیه مورد ارزیابی قرار می‌گیرد تا نشان داده شود آیا عوامل مزبور سیاست خارجی هند را از نهر و گریبی، عدم تعهد و سوسیالیسم به میانه‌روی و سپس

محافظه‌کاری و انطباق با نیروهای اقتصاد سیاسی جهانی به‌ویژه اتحاد راهبردی با امریکا سوق داده است یا خیر؟ گزیده‌ای از بررسی مبسوط این پژوهش نتایج زیر را در تایید گزاره‌های فوق به دست می‌دهد (خانی جوی آباد، ۱۳۹۷: ۲۳۲-۱۶۳).

یکم: شواهد، سازوکار و نحوه تغییر نظام اقتصاد و سیاست خارجی هند: نظام اقتصاد سیاسی جهانی با اعمال فشار به هند از جمله باعث اعمال ۱۲۳ بار اصلاحیه در قانون اساسی مطول هند و به تبع آن تغییر برنامه‌های توسعه و ساختارهای نظام اقتصاد و سیاست در هند شده است. در عمل، دولت در هند با ملی کردن صنایع بزرگ پس از استقلال، مالک اصلی ابزار تولید بود و تا فروپاشی شوروری، صنایع و بخش‌های پیشرو اقتصاد هند ملی و تحت کنترل کامل دولت بود (The Constitution of India, 2015: 39). نظام اقتصادی این کشور گرچه همچنان مختلط باقی مانده و پاره‌ای از صنایع مهم همچنان دولتی است، اما بطور روزافزون درجات نزدیکی آن به سرمایه‌داری و مالکیت خصوصی بیشتر شده است. به میزان تغییر ماهیت نظام اقتصادی در هند (تحقق درجات مالکیت خصوصی و ورود عوامل تولید خارجی)، فاصله گرفتن این کشور از نظام سوسیالیزم و دولت محوری و نزدیکی به سرمایه‌داری، با توجه به شواهد و آمار و ارقام قسمت‌های بعدی، تحقق یافته است. این فرایند خواه ناخواه سیاست خارجی این کشور را به‌عنوان متغیر وابسته مجبور به فاصله گرفتن از آرمان‌گرایی و عدم تعهد نهری و پیروانش در حزب کنگره نموده است (MEA Reports 1991-2017) & (MCI, 2017).

شکل ۳. آثار اقتصاد سیاسی جهانی بر افزایش نرخ پس‌انداز و اعتبارات ملی در هند



Note: Deposit and Credit refers to those of commercial and co-operative banks taken together.

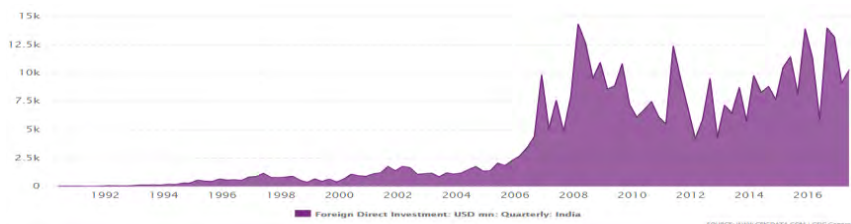
Source: Compiled from Handbook of Statistics on Indian Economy, RBI

براساس یافته‌های قسمت هشتم این بخش، با گرایش هند به درجات بیشتری از

لیبرالیزم در دولت‌های راتو، واجپایی، سینگ و به ویژه مودی، عمل‌گرایی و محافظه‌کاری، یا سازش و انطباق با ساختار حاکم، اثبات‌کننده فرضیه این قسمت است. اکنون در نتیجه تحولات ساختاری انجام شده در هند «داشتن منافع مشترک با سایر کشورها و مشارکت راهبردی با آنان» یک اصل بنیادین در ساختارهای اساسی این کشور است که از جمله سبب تغییر سیاست خارجی آن نیز شده است (خانی جوی آباد، ۱۳۹۷: ۱۶۶).

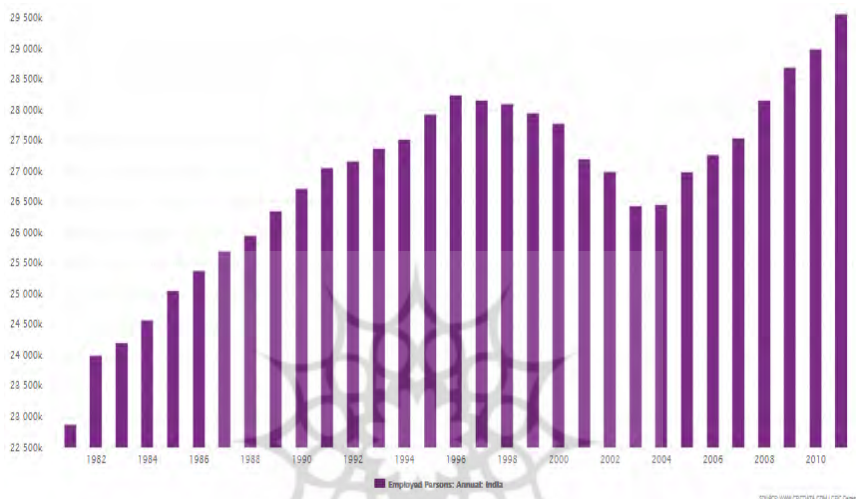
دوم: نیروهای جهانی شدن همسو با نیاز عظیم نیروهای داخلی هند به عوامل تولید به سرمایه‌گذاری قابل توجه در این کشور مبادرت نموده‌اند. این روند شرایط نهادهای برتون و وودز و سپس ضوابط سازمان جهانی تجارت، «خصوصی‌سازی، مقررات‌زدایی، کاهش شدید تعرفه‌ها، برقراری نظام مالیاتی نوین و بطور کلی فاصله گرفتن از سوسیالیزم» را به دنبال داشت. افزایش تدریجی سرمایه‌گذاری نیروهای جهانی شدن، گسترش تدریجی نظام بازار در این کشور را در پی داشت. میزان سرمایه‌گذاری مستقیم اقتصاد سیاسی جهانی در هند از رقم ناچیز ۱۳۵ میلیون دلار در سال ۱۹۹۱، به قریب ۱۳ میلیارد دلار در ۲۰۰۸، و قریب ۱۰ میلیارد دلار در ۲۰۱۰ رسیده است. روند این سرمایه‌گذاری در هند، در شکل ۲-۴ نیز هجوم سرمایه‌های خارجی به هند را در یک مقطع ۱۷ ساله نشان می‌دهد. در مقطع زمانی سال‌های ۱۹۹۲ تا ۲۰۱۷، حجم سرمایه‌های وارده به هند تا بیش از ۱۵ برابر نسبت به سال ۱۹۹۲ افزایش یافته و این کشور طی سه سال اخیر نیز به یکی از بزرگ‌ترین کشورهای جذب سرمایه خارجی در جهان تبدیل شده است. آمار زیر نقش رو به افزایش سرمایه‌های جهانی در اقتصاد هند را به خوبی نشان می‌دهد (MCI, 2017).

شکل ۴. آمار سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در هند تا ۲۰۱۷



روند مزبور، نیروی کار و اشتغال در این کشور را نیز تحت تاثیر مثبت قرارداده است. آمار شکل ۴-۳ افزایش شمار نیروی شاغل این کشور را از ۲۶ میلیون و پانصد هزار نفر در سال ۱۹۹۲ به ۲۸ میلیون نفر در سال ۱۹۹۶، و ۲۹ میلیون و پانصد هزار نفر در ۲۰۱۱ نشان می دهد.

شکل ۵. آثار اقتصاد سیاسی جهانی برافزایش نرخ اشتغال نیروی کار در هند ۲۰۱۷



Source: MCI, 2017

نرخ بیکاری به عنوان یکی از شاخصه های کلیدی این عرصه بین سال های ۱۹۹۲ تا ۲۰۱۷، میان ۴ تا ۳/۵ درصد در نوسان بوده است. به عبارت دیگر، از سال ۱۹۹۱ تاکنون، نرخ بیکاری بالا در هند به حداقل خود رسیده است.

شکل ۶. آثار اقتصاد سیاسی جهانی بر کاهش نرخ بیکاری در هند



Source: ILO, 2016

براساس ساختارها و مبانی قانونی هند، در چهار دهه گذشته، مهم ترین وظیفه و

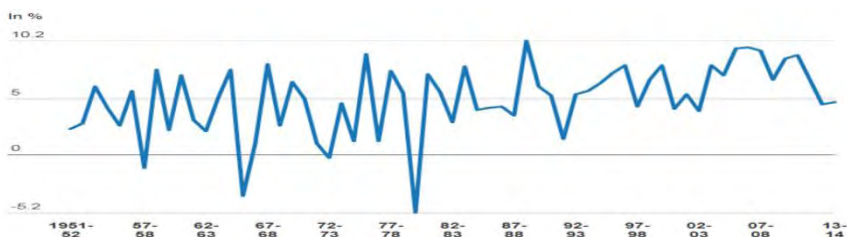
نقش سیاست خارجی این کشور از جمله جذب و حفظ سرمایه‌ها و عوامل تولید خارجی در این کشور بوده است (MEA Reports: 1992- 2017). حاصل این روند از یک سو تسریع هجوم کارآفرینان خارجی و حضور قریب بیش از ۴۵۰۰ شرکت چندملیتی خارجی در این کشور از جمله ۲۷ غول خودروساز جهان از قبیل بنز، پورش و سایر خودروهای پیشرفته جهان است. از سوی دیگر بهبود وضعیت اقتصادی در هند سبب ایجاد شرکت‌های بزرگ هندی نیز شده است؛ به گونه‌ای که تعدادی از این شرکت‌ها از قبیل شرکت نفت هند با رتبه ۱۶۸، صنایع ریلاینس با رتبه ۲۰۳، بانک دولت هند با رده ۲۱۷، تاتا موتورز با رده ۲۴۷ و شرکت راجش اکسپورت با رده ۲۹۵، در لیست پانصد شرکت بزرگ جهان قرار گرفته‌اند.^۱ شرکت‌های فوق موفق به ایجاد قریب به ۶۰۰ هزار فرصت شغلی جدید در هند شده‌اند (Fortune Global, 2017: 500). حتی رویش قارچ گونه شرکت‌های چندملیتی هندی و راه‌یابی آنها به لیست ۱۰۰ و ۵۰۰ شرکت برتر جهان نیز ارمغان اثرگذاری نیروهای اقتصاد سیاسی جهانی و تعامل سازنده هند با آنها است.

سوم: اقتصاد سیاسی جهانی با تغییر تدریجی کارکرد برخی از بخش‌های مسلط اقتصاد هند، باعث وابستگی متقابل و روزافزون عرصه‌های اقتصاد این کشور به ویژه صنعت (از صنایع هسته‌ای تا صنایع فضایی و فناوری اطلاعات)، عرصه‌های فناوری و بخش‌های تکمیلی اقتصاد از قبیل بانکداری، بیمه، جهانگردی و فناوری‌های نوین به نیروهای جهانی شدن گردید. این فرایند از طریق افزایش درجه همراهی هند با نیروهای جهانی شدن و تحکیم وابستگی متقابل نامتقارن آنها، زمینه‌ساز تغییرات اقتصادی، صنعتی شدن و تعامل گسترده این کشور با نیروهای جهانی شدن و به تبع آن باعث تعدیل سیاست خارجی آن شد (خانی جوی آباد، ۱۳۹۷: ۱۷۹-۱۷۴).

چهارم: نتایج اثرگذاری نیروهای جهانی شدن بر روندهای اقتصادی در هند، از جمله الف) رشد مستمر اقتصادی هند در چهار دهه اخیر به شکل زیر است.

1. DeCarlo, Scott (20 July 2017). "The Fortune 2017 Global 500", on: <http://fortune.com/global500/list/>

شکل ۷. رشد سالانه تولید ناخالص داخلی هند از ۱۹۵۶ تا ۲۰۱۴



Source: World Bank, 2017

ب) کاهش بیکاری، افزایش اشتغال، افزایش صادرات و افزایش وابستگی به مواد خام و واردات است. ج) کاهش میزان فقر و رشد طبقه متوسط به شکل زیر است: افزایش ثروت در این کشور باعث ایجاد طبقه ثروتمند جدیدی در هند شده است. به تعبیر پرابو «طبقه متوسط به عنوان ستون فقرات اقتصاد، دموکراسی و نوسازی هند عمل کرده است» (Lobo, Shah, 2015: 5). کلینتون می‌نویسد «انتظار می‌رود طبقه متوسط هند تا سال ۲۰۳۵، بیش از ۴۰ درصد کل مردم این کشور را در برگیرد» (H. Clinton, 2014: 263, e-book). در قالب روند ادغام هند در اقتصاد، پیش‌بینی شده است رده این کشور در تولید ناخالص ملی جهان در سال ۲۰۲۲، به مقام چهارم با سهم ۳/۹۳ افزایش یابد (IMF, 2017: World Economic Outlook). آثار تشریحی این فرایند از جمله سبب تعدیل سیاست خارجی این کشور شده است (خانی جوی آباد، ۱۳۹۶: ۱۸۳-۱۷۹).

پنجم: در همسویی با تغییرات ساختاری در نظام جهانی، نظام و ساختار سیاسی حکومت در هند نیز متحول شده است. ساختار سیاست و اقتصاد سوسیالیستی و دولت‌محور به درجات بیشتری از دموکراسی گرایش یافته است. قانون اساسی کنونی این کشور از سال ۱۹۵۰، به اجرا گذاشته شده است. با ۴۴۴ ماده، ۱۲ برنامه و ۱۴۵۰۰۰ کلمه، تا سال ۲۰۱۷، مطول‌ترین قانون اساسی جهان است. این ساختار تاکنون شاهد ۱۲۳ اصلاحیه بوده است. ماهیت عمده این اصلاحات، اقتصادی و اموری از قبیل مقررات زدایی، آزادسازی، خصوصی‌سازی، زمینه‌سازی ورود عوامل تولید خارجی، اصلاح قواعد داخلی و انطباق آنها با معیارها و استانداردهای حکمرانی جهانی بوده است. از زمان فروپاشی شوروی

تاکنون، قانون اساسی هند قریب ۶۰ بار، و به طور متوسط سالیانه دو بار اصلاح شده است. برخی از مهمترین اصلاحات اخیر عبارتند از قوانین اصلاحات ارضی سال ۱۹۹۰ و ۱۹۹۲، قانون آموزش و پرورش اجباری و مجانی برای کودکان ۱۴-۶، اصلاح مکرر قوانین مالیاتی، تغییر و بهبود مکرر قوانین مربوط به طبقات عقب افتاده، قبیله‌ای و کاستی ۲۰۰۳، ۲۰۱۱، و ۲۰۱۷ (که تصویب نشد) و مهمترین اصلاحیه سال ۲۰۱۶ (۱۲۲) یعنی قانون یکسان سازی مالیات‌ها که تصویب و اجرا شده است (lawmin.nic.in).

عبارات «سوسیالیست» و «سکولار» در سال ۱۹۷۶، به قانون اساسی هند اضافه شده است. پویایی و انعطاف ساختارهای هند، زمینه‌ساز تحول این کشور و حرکت از سوسیالیسم به سوی نظام اقتصاد بازار شده است. از نگاه تحلیل اقتصاد سیاسی، کلیدی‌ترین مفاهیم مندرج در قانون اساسی هند، اصول سی‌وششم تا پنجاه‌ویکم قانون مزبور تحت عنوان «اصول راهنمای سیاست دولت» است. از جمله در اصل ۳۸ وظیفه دولت استقرار نظم اجتماعی است که از طریق آن رفاه مردم^۱ تضمین شود. به عبارت دیگر، تامین منافع ملی و رفاه مردم جایگزین آرمان‌گرایی و چالش نظم حاکم شده است. در اصل ۳۹ برابری همه مردم شامل زن و مرد تضمین شده است. بندهای b و c این ماده تنظیم‌کننده حقوق توأمان افراد و جامعه است (The Constitution, 2017, A36-52).

در نتیجه تاثیر اقتصاد سیاسی جهانی و تحولات داخلی و از جمله اصلاحات انجام شده، هند را از یک نظام سوسیال دموکراسی به سوی آنچه بعد از فروپاشی شوروی «بزرگترین دموکراسی جهان» خوانده شد، تبدیل نموده است. البته از سوی دیگر با توجه به شیوع فساد گسترده در هند، ساختارهای غیررسمی در این کشور از قبیل مانیفست حزب ناسیونالیست هندو، در عمل ارزش فراقانونی به خود گرفته است. مقایسه دقیق متن منشور حزبی هندو با قانون اساسی، مشکلات عدیده هند در دولت - ملت‌سازی و توسعه هند را نمایان می‌سازد (The BJP Manifesto & The Constitution 2017).

1. State to secure a social order for the promotion of welfare of the people

ششم: اقتصاد سیاسی جهانی ماهیت، عناصر و ابزارهای قدرت (دولت) در هند را تحت تاثیر قرارداده، و به تبع آن نظام سیاسی این کشور را به ارائه اولویت «یک تعریف اقتصادی از قدرت»، و نیز زمینه‌سازی مسئولیت‌پذیری در نهادهای سیاسی بین‌المللی و دوری از سیاست‌های آرمان‌گرایانه تشویق نموده است. واکنش همکاری‌جویانه هند به این فرایند سبب تغییر در ساختارها، نهادها، سیاست‌های کلان این کشور، تغییرات بنیادین در قانون اساسی، برنامه‌های پنج ساله و در عمل تغییر سیاست‌های داخلی و خارجی این کشور شده است. مجموعه این تغییرات سیاست خارجی هند را از عدم تعهد و جهان‌سوم‌گرایی به اتحاد و ائتلاف با نیروهای جهانی شدن تحت تاثیر قرارداده است (MEA Reports 1991-2018).

هفتم: اقتصاد سیاسی جهانی سبب همسو نمودن و انطباق تدریجی هند با فرایندهای سیاست و قدرت شامل «افزایش درجه جهانی شدن سیاست و اقتصاد در هند»، «حاکمیت نسبی سرمایه‌های بین‌المللی»، «تحکیم وابستگی متقابل و نامتقارن هند»، «بین‌المللی شدن تدریجی کارکردهای دولت در هند» و به تبع آن تغییر تدریجی کارکردهای تولیدی، استخراجی، بازتوزیعی و داوری دولت شده است. رشد و توسعه کنونی هند حاصل تغییر کارکردهای دولت در نتیجه برنامه‌ریزی و اجرای دوازده برنامه توسعه اقتصادی پنج ساله از سال ۱۹۵۱ تا سال ۲۰۱۷ است (Planning Commission of India, 2012-17). از سال ۲۰۱۷، برنامه توسعه جهان‌گرا و کاملاً غیر سوسیالیستی پانزده ساله در دستورکار دولت قرار دارد. علاوه بر نقش بازار و طبقه متوسط، در هند دولت برنامه‌ای سوسیالیست و پس از فروپاشی شوروری، دولت ناسیونالیست هندو نقش بسترساز نهادها و زیرساخت‌های توسعه را تصدی کرده‌اند (PCI, 2017).

هشتم: آثار دینامیزم یا پویش اول بر سیاست خارجی هند معاصر نشان می‌دهد که تحولات اقتصاد سیاسی جهانی (و تعامل اقتصاد و سیاست در هند)، منجر به تغییر سیاست خارجی دولت‌های نارسیمها رائو (۹۶-۱۹۹۱)، اتال بیهار واجپایی (۰۴-۱۹۹۶)، مونماهان سینگ (۱۴-۲۰۰۴) و ناراندار مودی (۲۰۱۸-۲۰۱۸)

۲۰۱۴) در مسیر همسویی و انطباق روزافزون با نیروهای جهانی شدن گردیده است. این روند سیاست خارجی هند را از عدم تعهد، آرمان‌گرایی و سرمایه و امپریالیسم ستیزی دور و به سرمایه‌داری غربی و برقراری مناسبات راهبردی با امریکا و اسرائیل و غرب رهنمون کرده است. بنابراین، طبق نتایج این پژوهش، خط سیر سیاست خارجی دولت در هند به شکل زیر تاییدکننده فرضیه پژوهش است (خانی جوی آباد، ۱۳۹۶: ۲۰۲-۱۹۱).

شکل ۸. تغییر ایدئولوژی دولت در هند در تعامل با نیروهای جهانی شدن

→ محافظه کار/واقعگرا / میانه رو/ معتدل/ اصلاح طلب / آرمان گرا، مخالف نظم حاکم، ایدئولوژیک / واجپایی لودی (BJP) / راجیو گاندی/ناراسیم ها راثو/ مومناهان سینگ (CP) / جواهر لعل نهرو (CP)

۴. تعامل امنیت و فرهنگ و وابستگی متقابل هند به عوامل اقتصاد سیاسی جهانی

در این قسمت آثار تعامل اقتصاد سیاسی جهانی بر عرصه‌های امنیت و فرهنگ یا دینامیزم دوم مدل و البته ادغام نتیجه دینامیزم اول یعنی تعامل عرصه‌های اقتصاد و سیاست از طریق ارزیابی گزاره‌های ذیربط فرضیه، به عبارت زیر بررسی می‌شود. «با تکامل و گسترش روند جهانی شدن، مولفه‌ها، ساختارها، فرایندها و عوامل اقتصاد سیاسی جهانی با ایجاد محدودیت، تهدید و یا ایجاد فرصت و منافع مشترک: الف) در عرصه «امنیت» با تلاش جهت تغییر اهداف، الگوها و راهبردهای تامین امنیت ملی هند، و ب) در عرصه «فرهنگ» از طریق جهانشمول یا مک دونالدیزه کردن نظام و هویت فرهنگ غربی، ترویج ارزش‌ها و باورهای مسلط آن و کنش‌ها و اخلاق کار غربی در هند، و از طریق دو فرایند جهانی شدن اقتصاد و ایجاد وابستگی متقابل نامتقارن، با محدود و مشروط نمودن حق انتخاب کشورها، سیاست خارجی هند را از عدم تعهد و جهان سوم‌گرایی، به درجاتی از محافظه‌کاری و انطباق با نیروهای جهانی شدن سوق داده است. یافته‌های پژوهش در این عرصه نشان می‌دهد:

یکم: تحولات تغییر پارادایم حاکم بر هند در سطح کلان باعث تغییر مرجع امنیت در هند از «تامین امنیت جهان سوم و کشورهای غیرمتعهد» به ضرورت

«تامین امنیت ملی هند»، به ویژه در برابر چین و پاکستان شد. با شتاب گرفتن روند خصوصی‌سازی در هند و ورود سرمایه و عوامل تولید خارجی، به تدریج هند و نیروهای جهانی شدن به سوی تعریف نسبی از آسیب و تهدیدات امنیتی مشترک در سطح کلان، از جمله در برابر تهدید مشترک چین گرایش پیدا کردند (خانی جوی آباد، ۱۳۹۷: ۲۱۱-۲۱۰). مشکلات عدیده اقتصاد هند و رشد نامناسب ۲ تا ۳ درصدی آن (موسوم به رشد هندو) از جمله سبب اولویت یافتن اقتصاد، سرمایه و عوامل تولید خارجی به‌عنوان مبانی اصلی قدرت و در نتیجه تغییر ساختارهای اساسی هند شد. روسای حکومت هند سده بیست‌ویکم به‌ویژه از رانو (۹۶-۱۹۹۱)، تا ناراندرا مودی، به‌طور روزافزون از مرجع امنیت «نهرویی، جهان سوم‌گرا، غیرمتعهد و سوسیالیست شوروری محور» فاصله گرفته است و از سوی دیگر در نزدیک شدن به تعریف «مرجع امنیت ملی»، و توأم با آن امنیت با مرجع جهانی یا «سرمایه‌داری جهانی»، حتی از یکدیگر سبقت گرفته‌اند (MEA, e-reports 1991-1996). در نتیجه، تحلیل تغییرات ساختاری نظام هند و به‌ویژه قریب ۶۰ تغییر انجام شده در قانون اساسی این کشور، به‌ویژه در سال‌های ۱۹۹۱ تا ۲۰۱۷، نظام امنیت هند را از یک نظام شوروی محور به متحد استراتژیک آمریکا، اسرائیل و گروه غرب تبدیل کرده است.

دوم: با سرعت گرفتن جهانی شدن و به‌ویژه حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در آمریکا، سپس بمب‌گذاری‌های مومبای، هند و هندو و دشمن پاکستان مسلمان، با تعریف تهدید جدید اسلام‌گرایان افراطی و به‌ویژه جهت مقابله با آنها به همکاری روزافزون با اسرائیل و آمریکا روی آورد. حزب حاکم ناسیونالیست هندو از طریق تعریف تهدیدات هسته‌ای چین و پاکستان، ضمن شتاب دادن به فرایند هسته‌ای شدن خود، با استفاده از فضای مساعد مقابله با تروریسم اسلامی افراط‌گرا و فضای مساعد بین‌المللی ایجاد شده، در داخل هند نیز به کنترل و همسو نمودن اقلیت‌ها (به‌ویژه اقلیت مسلمان و اقلیت‌های مائوئیست یا ناگزالات) با سیاست‌های خود پرداخت (Hansen, 2015: 3). تحولات امنیتی معنادار فوق سبب هدایت روزافزون سیاست خارجی هند به همکاری بیشتر با نیروهای جهانی شدن

به رهبری امریکا، اسرائیل و سرمایه‌های بین‌المللی شد. به تبع آن، سیاست خارجی هند نیز تحت‌الشعاع مسائل امنیتی مشترک قرار گرفت (خانی جوی آباد، ۱۳۹۶: ۱۱۰-۱۰۸).

سوم: راهبرد امنیتی هند در نتیجه تعامل برابری چهار عرصه اقتصاد، سیاست، امنیت و فرهنگ، به‌ویژه در سطح جهانی و منطقه‌ای متحول شده است. تحت این شرایط اکنون از یک سو افول قدرت امریکا در جهان و از سوی دیگر افزایش روزافزون وزن اقتصاد سیاسی چین در مجاورت هند، سبب گرایش روزافزون امریکا، گروه غرب و بخش عمده‌ای از سرمایه‌های جهانی به همکاری و حمایت بیشتر از هند، جهت مهار چین شده است. این توجه و نیاز متقابل به حدی است که در استراتژی جدید همکاری امریکا با هند، به سکه زدن عبارت جدیدی به عنوان «هند و پاسیفیک»^۱ به جای «آسیا-پاسیفیک» و نیز از جمله اعلام خروج و انتقال تدریجی سرمایه‌های بین‌المللی از چین و گسیل آنها به هند تاکید شده است (Tillerson, 2017, USA-India Statement). مراتب فوق تاثیر مولفه‌های اقتصاد سیاسی هند بر امنیت و به تبع آن شکل‌گیری سیاست خارجی معاصر آن را نشان می‌دهد (خانی جوی آباد، ۱۳۹۷: ۲۱۴).

چهارم: براساس تحلیل دینامیزم دوم، ایجاد تغییرات کلان در نظام اقتصاد سیاسی جهانی، سبب شکل‌گیری الگوی امنیت ملی جدیدی در هند شده است. الگوی امنیت ملی و سیاست خارجی هند از «سیاست عدم تعهد و جهان سوم‌گرایی نهر»^۲، به «اتحاد راهبردی با غرب» و یک الگوی چندکانونه، تحول یافته است (همان: ۲۱۵).

پنجم: اقتصاد سیاسی جهانی در پی جهانشمول یا مک دونالدیزه کردن فرهنگ و هویت لیبرالیسم غربی و استحاله و رسوخ در فرهنگ و هویت ملی سنتی و جهان سومی هند از سوسیالیسم به نولیبرالیسم بوده است. جهانی شدن امنیت و فرهنگ سه گزینه زیر را پیش پای هند قرار داده است: الف) جنگ تمدن‌ها، ب) کنار آمدن با مک دونالدیزه شدن یا تن دادن به جهانی‌سازی و ج)

ادغام یا ترکیب و امتزاج فرهنگی (یا هایبرید شدن). می‌توان گفت هند جدید از میان پارادایم‌های سه‌گانه فوق «گزینه‌های دوم و سوم» را اختیار کرده است (Pieterse, 2015: 45&159). تطور فرهنگ ملی، هویت و ایدئولوژی دولت در هند سده بیست و یکم، نشانگر تغییرات کند و تحول از «فرهنگ سنتی، سوسیالیستی» هند به «مظاهر دموکراسی غربی» و به تبع آن تحول در سیاست خارجی این کشور است.

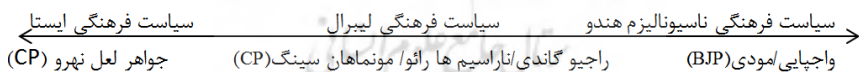
ششم: اقتصاد سیاسی جهانی در صدد باورپذیر نمودن ارزش‌ها یا باورها، و عناصر مسلط نظام لیبرال دموکراسی و نمادهای آن به هند بوده است. فرایند تعامل ارزش‌های نیروهای جهانی شدن با ارزش‌های هندی به تعدیل تدریجی و کند فرهنگ، ایدئولوژی، هویت ملی، اخلاق کار و به تبع آن تاثیرپذیری سیاست خارجی هند انجامیده است (خانی جوی آباد، ۱۳۹۷: ۲۲۳-۲۱۸).

هفتم: اقتصاد سیاسی جهانی از طریق جهانشمول نمودن کنش‌ها، رفتار و اخلاق و فرهنگ کار پروتستانی غربی و ترویج و اشاعه اخلاق کار غربی مروج ارزش‌های «سود محوری»، «مالکیت خصوصی» و «تعیین‌کنندگی عوامل تولید به‌ویژه سرمایه‌های بین‌المللی» در نظام فرهنگی هند بوده است (Weber, 1958:55-93) (Max Weber, 2001ed: 18). در سه دهه اول سده بیست و یکم، از زمان نخست‌وزیری واجپایی و مودی (از حزب BJP)، فرهنگ ملی، هویت و ایدئولوژی نوسازی شده دولت ناسیونالیست هندو تحت تاثیر عوامل اقتصاد سیاسی جهانی و نیروهای داخلی، به‌ویژه از طریق برنامه‌های توسعه پنج ساله و بطور خاص در قالب اجرای مفاد مانیفست حزب مزبور از سال ۲۰۱۴ بر اجرای برنامه‌های خاصی تمرکز نموده است (BJP Manifesto 2014, pp: 2,27,31, through 41). در نتیجه، بسیاری از مولفه‌های فرهنگی هند از قبیل آموزش و پیشرفت‌های علمی و فناوری تحت تاثیر نیروهای جهانی شدن قرار گرفته است (خانی جوی آباد، ۱۳۹۷: ۲۲۷-۲۱۶).

هشتم: پاسخ هند به اقتصاد سیاسی جهانی در عرصه فرهنگ: همچنان به حاکمیت سنتزی از «سیاست فرهنگی و استراتژی فرهنگی»؛ تولید استراتژی

فرهنگی هندی با توانمندی پیرایش فرهنگ سنتی هند، و ارائه الگوی فرهنگی هندی از طریق وام‌گیری از فرهنگ سرمایه‌داری لیبرال موفق نشده است. هند در دوره حکومت ناسیونالیست هندوی ناراندار مودی نخست وزیر وقت این کشور با استفاده از تشکیلات حزبی و گروه‌های وابسته به آن از قبیل آر.اس.اس و در قالب برنامه‌های مندرج در منشور حزبی و برنامه‌های پنج ساله توسعه (Planning Commission of India, 2017)، درصدد تلفیق سیاست‌های فرهنگی (عناصر فرهنگ ملی ایستا) و استراتژی فرهنگی (وام‌گیری از عناصر فرهنگ جهانی) برآمده است. سیاست فرهنگی این کشور ناسیونالیسم هندو «یا هندو تو است» که طی آن بازتعریف عناصر معنوی و فرهنگی ملت هندو بر مبنای مانیفست حزبی در دستورکار حزب حاکم است (Khalid Ansari, 2016: 1-30 & BJP Manifesto: 10,27,31, through 41). به هر حال سه نوع اقتصاد سیاسی متفاوت در هند به پیدایش سه نوع نظام فرهنگی - امنیتی متفاوت و به تبع آن تغییر سه نوع سیاست خارجی در این کشور به شرح شکل زیر انجامیده است. این فرایند بازفرجام است و تغییر اقتصاد سیاسی جهانی (که هند نیز بخشی از آن است)، تغییر در سیاست خارجی آن را در پی خواهد داشت. در نتیجه، سیاست خارجی هند به عنوان متغیر وابسته محصول اقتصاد سیاسی جهانی است.

شکل ۹. سیاست فرهنگی هند سرگردان میان سنت، لیبرالیسم و ناسیونالیسم هندو



۵. تاثیر و تعامل متقابل اقتصاد سیاسی جهانی و اقتصاد سیاسی هند

گزاره‌های سطح کلان فرضیه پژوهش شامل آثار شش متغیر اصلی اقتصاد سیاسی جهانی یعنی کار و عاملیت نیروی بالنده انسانی، سرمایه‌های بین‌المللی، قدرت، جهانی شدن اقتصاد، دولت و شرکت و تعامل سطوح ملی و جهانی؛ و عوامل اصلی اقتصاد سیاسی جهانی نشان می‌دهد متغیرهای اقتصاد و سیاست چگونه از یک‌سو در تعامل و وابستگی متقابل با اقتصاد سیاسی جهانی و از سوی دیگر از

طریق تعامل با یکدیگر در سطح داخلی، زمینه‌ساز تغییر سیاست خارجی هند از جهان سوم‌گرایی و عدم تعهد به عمل‌گرایی و محافظه‌کاری و همکاری راهبردی با نیروهای جهانی شدن شده است (خانی جوی آباد، ۱۳۹۷: ۲۵۴-۲۳۲).

ورود عوامل تولید نیروهای جهانی شدن به ویژه بیش از ۴۵۰۰ شرکت چندملیتی و کارآفرینان غربی به هند، بطور تدریجی باعث ایجاد تحولات ساختاری در عرصه‌های اقتصاد و سیاست هند شده است. در این مسیر دولت هند با درک شرایط جدید، به تعامل با نیروهای مزبور در جذب سرمایه، فناوری، دانش فنی و ملزومات و قطعات دارای فناوری بالا پرداخته است. این تمایلات ملی همسو با تحولات جهانی شدن در برنامه‌هایی از قبیل «اول هند»^۱، «در هند بسازید»، «جذب سرمایه‌های مستقیم خارجی»، «جذب فناوری و پیشگام شدن هند در این حوزه»، «جذب جهانگرد»، «تحقق قانون واحد مدنی بر سراسر کشور» و مهمتر از همه در حوزه سیاست خارجی تحقق اصل «اولویت ملت هند»^۲ تبلور یافته است (BJP Manifesto, pp: 10,27,31, through 41). نتیجه تمثیلی این سیاست‌ها از جمله دستاوردهای زیر است.

شکل ۱۰. واردات هند در سال ۲۰۱۷

China	Saudi Arabia	Germany	Iran	Belgium	Qatar	Nigeria	Hong Kong
18%	5.4%	3.3%	2.4%	2.2%	2.2%	2.1%	2.1%
United States	Switzerland	Iraq	Singapore	Kuwait	United Kingdom	Italy	Canada
5.9%	4.3%	2.9%	1.9%	1.2%	1.1%	1.1%	1.1%
United Arab Emirates	South Korea	Japan	Thailand	France	Angola	Ukraine	Spain
5.6%	3.5%	2.8%	1.5%	0.92%	0.58%		
	Indonesia	Australia	South Africa	Vietnam	Chile		
	2.5%	2.5%	0.5%	0.30%			
		Malaysia	Venezuela	Argentina	Sri Lanka		
		2.5%	1.5%	0.75%	Turkey		
			Russia	Mexico	Egypt		
			1.4%	0.71%	Poland		
				Israel			

منبع وزارت تجارت و صنایع هند ۲۰۱۷

نتیجه اقدام هند در حوزه کمک‌های خارجی آن است که این کشور در سال ۲۰۱۲ سومین دریافت کننده کمک‌های توسعه‌ای خارجی بوده (Aid at a Glance, OECD)

¹ India First, (Integrating the nation), Make in India

² Nation First (Ibid, p: 39)

اما اکنون این کشور با رشد مستمر اقتصادی خویش قادر به ارائه کمک‌های توسعه‌ای به پاره‌ای از کشورها از جمله افغانستان، کشورهای کوچک همسایه و آفریقا شده است. بنابراین ماهیت متحول قدرت پس از مدتی باعث تبدیل هند از گیرنده کمک به ارائه کننده کمک‌های توسعه‌ای شده است (OECD (WB & CPR India: 2014-2017).

شکل ۱۱. صادرات هند به جهان ۲۰۱۷

United States	Hong...	Vietnam	Nepal	Turkey	Italy	Malaysia	Sri Lanka	Japan
16%	5.1%	2.3%	1.8%	1.7%	1.7%	1.6%	1.6%	1.5%
		Bangladesh	South Korea	Australia	Israel	Oman	Kenya	Iran
3.5%	China	2.2%	1.3%	1.1%	1.1%	1.0%	0.98%	0.94%
		Belgium	Mexico	Egypt	Pakistan	Kuwait		
3.3%	United Kingdom	2.1%	1.3%	0.81%	0.82%	0.55%	0.55%	
		Saudi Arabia	Spain	Canada	Iraq			
12%	United Arab Emirates	2.0%	1.3%	0.77%				
		Singapore	South Africa	Russia				
		2.0%	1.3%	0.77%				
		Netherlands	Indonesia	Tanzania	Ethiopia			
		1.9%	1.2%	0.6%				
		France	Thailand	Nigeria	Catar			
		2.8%	1.9%	0.2%				
		Germany	Gibraltar	Sudan				

منبع وزارت تجارت و صنایع هند ۲۰۱۷

براساس آخرین گزارش بانک جهانی، هند در حوزه تسهیل تجارت با افزایش چشمگیر ۳۰ رتبه نسبت به آمار سال ۲۰۱۷، در سال ۲۰۱۸ به رده یکصد از میان ۱۹۰ کشور جهان ارتقای وضعیت یافته و با انجام اقدامات مساعدی از قبیل وصول مالیات، ایجاد شرکت و کسب و کارهای جدید، تسهیل صدور مجوزهای تجاری و حمایت از سرمایه‌های کوچک، زیرساخت‌های لازم جهت فعالیت‌های اقتصادی را فراهم نموده است (WB Doing Business 2018: 22& 4). هند از اول ژانویه ۱۹۹۵ عضو سازمان جهانی تجارت بوده و در سال ۲۰۰۶، پروتکل اصلاحی TRIPS، و در سال ۲۰۰۷ نیز پروتکل مربوط به موافقت‌نامه تسهیل تجارت آزاد را پذیرفته است. در نتیجه، زمینه‌های تعامل بازارهای داخلی و خارجی را فراهم نموده است (WTO webpage: 2017). موارد تمثیلی فوق مویده همسویی و ادغام تدریجی این کشور در نظام اقتصاد بین‌الملل و تایید فرضیه پژوهش است.

نتیجه‌گیری

در پاسخ به سؤال پژوهش در قسمت‌های چهارم تا ششم، نشان داده شد که چگونه با تکامل و گسترش روند جهانی شدن، ساختارها، فرایندها و عوامل اقتصاد سیاسی جهانی سبب در هم تنیده شدن منافع مادی نیروهای داخلی هند با منافع، ارزش‌ها و امنیت نیروهای جهانی شدن و وابستگی متقابل اما نامتقارن اقتصاد سیاسی این کشور به مولفه‌های اقتصاد سیاسی جهانی و در نتیجه تغییر تدریجی سیاست خارجی هند از جهان سوم‌گرایی و عدم تعهد، به محافظه‌کاری و همکاری راهبردی با امریکا و سایر نیروهای اقتصاد سیاسی جهانی شده است. البته شواهد این پژوهش ضمن تایید فرضیه، ادغام کامل این کشور در اقتصاد سیاسی جهانی را تایید نمی‌کند. حاصل نیاز دوسویه هند و اقتصاد سیاسی جهانی به یکدیگر، پیدایش تعامل سازنده روزافزون میان آنها؛ تغییر ایدئولوژی دولت در هند از عدم تعهد به محافظه‌کاری؛ تقویت پایگاه جامعه مدنی / بازار و فربه شدن طبقه متوسط؛ و مابه‌ازاء حاصله مشارکت هند در اقتصاد سیاسی جهانی، همراهی و انطباق روزافزون با آن و همسو شدن تدریجی وفاداری اکثریت هندو و طبقه متوسط با نیروهای جهانی شدن به رهبری امریکا و اسرائیل و به تبع آن تغییر سیاست خارجی این کشور بوده است.

هند در حوزه اقتصاد با زمینه‌سازی استخدام عوامل تولید خارجی (به ویژه سرمایه، فناوری و کارآفرینی شرکت‌های غربی) موفق به کسب رشد نسبی مستمر و رهایی از رشد ناچیز اقتصادی موسوم به «رشد هندو» شده است. در حوزه سیاست، حزب ناسیونالیست هندو در تعامل با نیروهای جهانی شدن تا حدودی مواضع افراطی خود را تعدیل نموده و به تبع آن قادر به پیوند زدن بخشی از منافع اقتصادی و امنیتی نیروهای داخلی مسلط شامل دولتمردان، نظامیان و سرمایه‌داران با نیروهای جهانی شدن گردیده است. این کشور در تبدیل سیاست‌های فرهنگی به استراتژی فرهنگی، عملکرد منسجم و موفقی نداشته، اما از طریق انطباق روزافزون با فرهنگ نیروهای جهانی شدن، لقب «بزرگ‌ترین دموکراسی جهان» را به دست آورده است. علاوه بر ۱۲۳ بار اصلاح قانون اساسی، اکنون منشور سال

۲۰۱۴ حزب سیاسی حاکم در صدد هندوسازی و سکولاریزم‌زدایی کلیه نهادها و ساختارهای حاکم است.

با ملاحظه تجربه هند و توجه به وضعیت ژئوکالچر، ژئوآکونومی و ژئواستراتژی خاص ایران و یافته‌های این پژوهش، راهبرد پیشنهادی این پژوهش در قالب رویکرد اقتصاد سیاسی بین‌الملل آن است که اتخاذ یک «سیاست خارجی چندکانونه» می‌تواند راهگشای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در عصر پرشتاب جهانی شدن اقتصاد باشد. این راهبرد کشور را قادر خواهد ساخت تا با استفاده از وزن متفاوت بازیگران کلیدی عرصه بین‌الملل و تعامل سازنده با آنها، از جمله از طریق میانجیگری و تلفیق منافع و ارزش‌های مشترک، شیوه‌های مناسب و مرضی‌الطرفینی را جهت همکاری و ائتلاف‌سازی با نیروهای جدید جهانی شدن از جمله چین، (قدرت‌های اروپایی و غربی)، روسیه و کشورمان ارائه نماید.

در چنین راهبردی از جمله اصول زیر حکمفرما خواهد بود. الف) تعامل سازنده با بازیگران کلیدی، ب) در نظر گرفتن اهمیت وزن بازیگران به عنوان یک امر سیال و در حال تغییر، و در نتیجه عدم ایجاد اتحاد استراتژیک با یک بلوک (شانگهای یا غرب) و استفاده از فضای سوم، د) حرکت به سوی تنش‌زدایی و حتی‌المقدور پرهیز از امنیتی شدن امور منطقه و به‌ویژه پرهیز از درگیری با قدرت برتر؛ ه) آغاز مناسبات مشترک با بازیگران کلیدی و تسری و ارتقای همکاری دوجانبه از امور موردی مشترک به برقراری دیالوگ مستمر و ایجاد سازوکار کنفرانس سالانه دوجانبه سران با کلیه کشورهای مهم؛ و) تلاش جهت غیرامنیتی نمودن امور در داخل کشور، حوزه همسایگان و امور بین‌المللی؛ ز) تکمیل فرایند دولت-ملت‌سازی در داخل کشور، با تاکید بر ایجاد اجماع داخلی میان نخبگان فکری و ابزاری و تلاش در جهت کسب بالاترین درجه وفاداری‌های ملی، ح) جذب حداکثری سرمایه، فناوری و سایر عوامل تولید داخلی و خارجی، و ط) تبدیل اقتصاد رانتهی به اقتصاد ملی مستقل از نفت.

در چشم‌انداز راهبردی آینده، نیاز گسترده و روزافزون هند به انرژی وارداتی از جمهوری اسلامی ایران از طریق دو سیاست متنوع‌سازی منابع (حتی واردات از

امریکا) و استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر در حال تحول است. از سوی دیگر، معمای اتصال موثرتر جمهوری اسلامی ایران به پروژه عظیم یک کمربند یک جاده؛ با مشارکت چین، هند، پاکستان و افغانستان و نیز ایجاد اتصال و پیوندهای شرقی- غربی؛ و فعال‌سازی کریدورهای بین‌المللی شمال- جنوب در ایران و همچنین تعریف موافقت‌نامه تجاری راهبردی و مرضی‌الطرفین با بازیگران منطقه‌ای و چگونگی پرهیز از سیاست تفرقه و نفاق قدرت‌های فرامنطقه‌ای رمز موفقیت همگرایی در آسیای غربی و نیز موضوع مطالعات تکمیلی در این زمینه خواهد بود. ضرورت انجام تحقیقات تکمیلی در حوزه‌های زیر احساس می‌شود:

- ۱- بررسی آثار همکاری جمهوری اسلامی ایران با چین، بر همگرایی و همکاری ایران با پروژه‌های موازی هند و غرب‌محور، ۲- بررسی نحوه تسریع «پیوندهای ارتباطی همه‌جانبه» ایران، سیاست پیوند و ارتباط غرب محور با هند به ویژه در حوزه هند-چابهار- افغانستان؛ کریدور شمال جنوب و همکاری در مجموعه کشورهای ساحلی اقیانوس هند (موسوم به آیورا)؛ ۳- بررسی تکمیلی الگوی تداوم و تغییر سیاست خارجی هند از اتحاد و ائتلاف با غرب و امکان بازگشت آن به راهبرد تعهدات چندجانبه از نگاه منافع و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران؛ ۴- پایش روند دولت-ملت‌سازی در کشور یادشده با تاکید بر نقش و سهم اقلیت ۱۸۰ (تا ۳۰۰ میلیونی) مسلمان و مولفه‌های تمدنی مشترک در این کشور و نحوه تنظیم روابط جمهوری اسلامی ایران با هند در سطوح راهبردی؛ و، ۵- بررسی نقش جمهوری اسلامی ایران در پیوند چین و هند از جمله در مبارزه مشترک با سبعبیت داعش در منطقه آسیا و جهان.

یافته‌های این پژوهش موید آن است که «با وزن گرفتن قدرت‌های منطقه‌ای از قبیل چین و هند از یک‌سو و سقوط امریکا از مقام هژمونیک خویش، پارادایم حاکم به سوی تکثر کانون‌های قدرت در سطح جهان گرایش یافته است. مختصات مشترک ژئواکونومی، ژئوکالچر و ژئواستراتژی ایران و هند «پیوندهای ارتباطی همه‌جانبه» میان دوطرف و همکاری گسترده در چهار عرصه اقتصاد، امنیت، سیاست و فرهنگ در سطوح دوجانبه و چندجانبه میان طرفین را دیکته می‌نماید.

منابع

الف) فارسی

- بوزان، بری. ۱۳۷۸. **مردم، دولت‌ها و هراس**، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران.
- پوراحمدی، حسین و خانی جوی آباد، محمود. ۱۳۹۶. «اقتصاد سیاسی سیاست خارجی چین در عصر جهانی شدن اقتصاد»، فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، سال هشتم، شماره ۳ صفحات ۳۷-۹.
- خانی جوی آباد، محمود. ۱۳۹۷. **اقتصاد سیاسی سیاست خارجی چین، هند و جمهوری اسلامی ایران**، پایان‌نامه دکترا، دانشگاه شهید بهشتی.
- حاجی یوسفی، امیرمحمد. ۱۳۷۷. «استقلال نسبی دولت یا جامعه مدنی در جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۲، ص ۹۲.

ب) انگلیسی

- Ansari, Khalid, **Hindu Nationalism in Theory and Practice**, Duke University, 2016.
- Balaam, David N. Dillman, Bradford. 2016. "**Introduction to International Political Economy**" Abingdon, Oxon New York, NY Routledge, [electronic resource], (607 p.) available at: <http://trove.nla.gov.au/version/222101324>, accessed on: 29 October 2017.
- BJP Election Manifesto**, Published by Baharatia Janata Party, New Delhi, 2014.
- Buzan, Bary, and Lene Hansen, 2009, "**The Evolution of International Security Studies**", Cambridge University Press.
- Cox, Robert. M, Production, Power and World Order: Social Forces in the Making of History", Vol.1, New York, Colombia University Press, 1987.

- Detlef F. Sprinz and Yael Wolinsky, (Ed), 2002, *International Relations Research, Methods: Cases, Numbers, Models*, Ebook. PDF.
- Dunford, Michael. D, 2000, '**Globalization and Theories of Regulation**', Routledge, New York.
- Intelligent Economist, 2017, **Four Factors of Production**, available at: <https://www.intelligeconomist.com/factors-of-production/>
- Jaffrelot, Christophe "Hindutva's 'Purification' Drive", **Carnegie Endowment for Peace**, Op-Ed, 2016 (from Indian Express).
- Joshi, Manoj, " India and the world: Foreign policy in the age of Modi" **The Wire**, Dec 23 2016.
- Katzenstein, Peter J., 1996, **the Culture of National Security: Norms and Identity in World Politics**, Combia University Press, and: <http://www.Ciaonet.org/book/katzenstein/index.html> (2nd vol).
- Lakatos, I., 1986, **Falsification and the Methodology of Scientific Research Programmes**, *Criticism and the Growth of Knowledge*, edited by I. Lakatos and A. Musgrave, Cambridge: Cambridge University Press.
- Lobo, Lancy, 2015, Middle Classes, the State, Globalization and Development, e-book, 82-94.
- Ministry of External Affairs of the Government of India, **MEA Annual Report, 2016-2017**, MEA Publications, New Delhi.
- Ministry of External Affairs of the Government of India, **MEA Annual Report, 2015-2016**, MEA Publication, New Delhi.
- Misra, Amalendu, " India at 50: democracy, nationalism and foreign policy choices", **Asian Affairs**, 30:1, 45-58, DOI: 10.1080/714041373 To link to this article: <http://dx.doi.org/10.1080/714041373>
- Malone, David. M, Mohan. C, Raja, and Raghavan, Srinath **the Oxford Handbook of Indian Foreign Policy**, Oxford University Press, 2016.
- Nirupama Rao, "IDSA-IPSI Strategic Dialogue on India-Iran: An Enduring Relationship"(speech, **Institute for Defense, Studies and Analyses**, July 5, 2010), <http://www.idsa.in/>
- Palan, Ronen, 2000, **Global Political Economy: Contemporary Theories**, Routledge, New York, 286 pages (PDF, Electronic Version).
- Pieterse, Jan Nederveen, 2015, **Globalization & Culture**, Rowman & Littlefield, 3rd Edition, London.
- Rodham. Clinton, Hillary, 2014, **Hard Choices**, Simon & Schuster, New York.

The FDI Report 2016, FDI Inteligence, Global Insight from the Financial Times LTD, 2016. Available at: fdimarkets.com, 2017.

The World Fact Book, 2017, *Central Inteligenc Agency, the USA*, available at: <https://www.cia.gov/library/publications/the-world-factbook/geos/UK.Html>, on October 30, 2017.

UNDATA, 2017, a World of Information, available at: <http://data.un.org/Search.aspx?>, 2017.

Veseth, Michael A. 2017, **International Political Economy**, available at: <https://www.britannica.com/contributor/Michael-A-Veseth/5696>, & for further studies please refer to: (Michel Veseth, 2013: 1-5)

Weber, Max, 2001, **The Protestant Ethic and the Spirit of Capitalism**, Routledge, Taylor & Francis Group, With Anthony Giddens Introduction, London, 271 pages, PDF.

Weber, Max, *The Religion of India: The sociology of Hinduism and Buddhism*, Formated by Sidney Solomon, New York.

World Employment Social Outlook, 2017, Sustainable enterprises and jobs: Formal enterprises and decent work, International Labour Organization 2017.

World Economic Outlook, 2017, International Monetary Fund (IMF), April issue, Uneven Growth, Short- and Long-Term Factors, PDF.

WTO, 2017, World Trade Organization Data & Webpage at: (stat.wto.org) & (<https://wto.org/statistics>) & (tariffdata.wto.org).